

## سوالات

۱- کدام مورد به وسیله یک شاهد و یمین ثابت می شود؟

(۱) زنا (۲) دیون و اموال (۳) لواط (۴) سحاق

گزینه ۲ صحیح است. «کل ما یتبیت بشاهد و امرأتین، یتبیت بشاهد و یمین، و هو کل ما کان مالا، أو کان المقصود منه المال، کالدین و القرض» (شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۳، ص ۹۸). هر چیزی که با یک شاهد مرد و دو شاهد زن ثابت می شود، با یک شاهد مرد و یک سوگند نیز ثابت می شود، و مجرای پذیرش چنین سوگندی هر چیزی است که مال باشد، یا مقصود از آن امور مالی باشد، مانند دین و قرض.

۲- کدام مورد بیانگر تعریف مدعی و منکر است؟

- (۱) المدعی هو الذی یترک لو ترک الخصومه و المنکر مقابله.
- (۲) المدعی هو الذی قوله یوافق الاصل و المنکر مخالفه.
- (۳) المنکر هو الذی قوله یخالف الظاهر و المدعی مقابله.
- (۴) المدعی هو الذی یترک الخصومه و المنکر ایضاً.

گزینه ۱ صحیح است. «المدعی هو الذی یترک لو ترک الخصومه و المنکر مقابله» (شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۳، ص ۷۶). مدعی کسی است که اگر از ادعای خود دست بردارد، دعوا فیصله می یابد، و منکر در مقابل مدعی قرار دارد.

۳- در کدام مورد شهادت شاهد مورد قبول است؟

- (۱) شهاده الوصی فی متعلق وصیته.
- (۲) شهاده العاقله بجرح شهود الجنایه خطأ.
- (۳) شهاده الشریک لشریکه فی المشترك بینهما.
- (۴) شهاده العدو لعدوه إذا كانت العداوه لاتتضمن فسقا.

گزینه ۴ صحیح است. فقها یکی از شرایط پذیرش شهادت را عدم تهمت (ذی نفع نبودن شاهد) دانسته اند؛ لذا شهادت شریک به نفع شریکش در مالی که میان آنها مشترک است مقبول نیست (نادرستی گزینه ۳). همچنین شهادت وصی درباره متعلق وصیت (مانند شهادت وی نسبت به مال صغیری که تحت ولایت اوست)، به دلیل ذی نفع بودن وی باطل است (نادرستی گزینه ۱). شهادت عاقله نیز در جرح (تضعیف) شهود جنایت خطایی مورد پذیرش قرار نمی گیرد؛ زیرا عاقله مسئول پرداخت دیه خطایی هستند، و با شهادت بر علیه شهود، ضرر احتمالی (پرداخت دیه) را از خود دفع می کنند؛ لذا ایشان ذی نفع هستند (نادرستی گزینه ۲). با نادرستی سایر گزینه ها، صحت گزینه ۴ آشکار می گردد؛ زیرا هنگامی که دشمن به نفع دشمن خود شهادت دهد، عقلاً احتمال ذی نفع بودن وی متفی است. دقت شود که مقصود از حرف «ل» در «لعدوه»، به نفع، به سود، ترجمه می شود.

۴- ما هو الحکم لو اوصی للاقرب؟

۱- للذکر مثل حظ الانثیین ۲- اعطى مثل سهم الأقل ۳- نزل علی مراتب الإرث ۴- اعطى سهم احد الوارث

گزینه ۳ صحیح است. اگر شخص برای نزدیکان خویش وصیت کند، به ترتیب طبقات ارث رفتار می شود؛ زیرا هر یک از طبقات ارث به نسبت طبقه بعدی به وی نزدیکتر می باشند. با این حال باید توجه داشت که در چنین فرضی برخی از قواعد مربوط به ارث رعایت نخواهد شد؛ از جمله اینکه در چنین حالتی اشخاص به طور مساوی از حقوق بهره مند خواهند شد (بر

خلاف ارث)؛ زیرا اصل بر عدم تفاضل و برتری است؛ بنابراین سهم مذکر مانند سهم مؤنث خواهد بود (شرح لمعه، ج ۵، ص ۵۵).

۵- در نحوه ارث اولاد اولاد، نظر مشهور چیست؟

- ۱) للذکر مثل حظ الأنثیین.
- ۲) ینقسم المال بینهم بالسویه.
- ۳) یأخذون کل منهم نصیب من یتقرب به.
- ۴) در صورتی به طور مساوی ارث می برند که میت پدر نداشته باشد.

گزینه ۳ صحیح است. «اولاد الإخوة یقومون مقام آبائهم عند عدمهم، و يأخذ کل واحد من الأولاد نصیب من یتقرب به» (شرح لمعه، ج ۸، ص: ۱۵۱). اولاد اولاد، در صورت فقدان والدین خویش، جانشین پدران خود می شوند، و هریک از آنان سهم کسی را می برد که به واسطه ی او خویشاوند میت محسوب می شود.

۶- در کدام مورد، اقرار به نسب، نیاز به تصدیق مقربه دارد؟

۱- اذا كان المقربه بالغاً او سفیهاً ۲- اذا كان المقربه صغيراً ۳- اذا كان المقربه بالغاً مجنوناً ۴- اذا كان المقربه میتاً

گزینه ۱ صحیح است. بالغ به علت احراز قوه عاقله و عدم حجر، و سفیه به علت عدم محجوریت در امور غیر مالی، باید نسب ادعایی را تصدیق کنند؛ لیکن همانگونه که واضح است این تصدیق در مورد کودک، مجنون، و متوفی امکان پذیر نیست (شرح لمعه، ج ۶، ص ۴۲۳).

۷- کدام مورد در خصوص اقرار صحیح است؟

- ۱) لو اقر بلفظ مبهم بطل.
- ۲) لو علق الاقرار بشهادة الغير صح.
- ۳) لا یصح الاقرار الا بالعربیه.
- ۴) الخلو من السفه شرط فی الاقرار المالی فقط.

گزینه ۴ صحیح است. اگر شخص به لفظ مبهمی اقرار کند، اقرار وی صحیح است؛ لیکن مؤلف به توضیح مراد خویش است (نادرستی گزینه ۱). تعلیق اقرار به شهادت غیر، موجب بطلان آن می شود (نادرستی گزینه ۲). در اقرار به کار بردن الفاظ عربی شرط نیست؛ زیرا زبانهای مختلف در رساندن مقصود مشترک هستند (نادرستی گزینه ۳). گزینه ۴ از آن رو درست است که سفیه نبودن تنها در اقرار مالی شرط است؛ لذا اگر سفیه به امر غیر مالی مانند جنایت موجب قصاص اقرار کند، اقرار وی پذیرفته می شود. البته اگر جنبه مالی و غیر مالی با هم جمع شوند، صرفاً اقرار در امر غیر مالی پذیرفته می شود؛ مانند سرقت نسبت به ثبوت حد آن (ن.ک: شرح لمعه، ج ۶، ص ۳۸۱ تا ۳۸۸).

۸- ما هو الحكم لو ادعی السرقة ظناً؟

- ۱) لا یسمع الدعوی.
- ۲) یسقط الدعوی لو لم یحلف المدعی علیه.
- ۳) یتبث الدعوی لو حلف المدعی بعد ردّ الیمین الیه من المدعی علیه.
- ۴) یتبث الدعوی لو حلف المدعی بعد ردّ الیمین من الحاکم لو نکل المدعی علیه.

گزینه ۲ صحیح است. پرسش این است که اگر مدعی، ادعای خود را مبنی بر تحقق سرقت، نه به صورت جزمی و یقینی، بلکه به صورت گمان و احتمال مطرح کند، تکلیف قضیه از نظر دادرسی اسلامی چیست؟ در بادی امر به نظر می رسد که چنین ادعایی مسموع نخواهد بود؛ همانگونه که نظر مشهور فقها چنین است (ر.ک: موسوی اردبیلی، فقه القضاء، ج ۲، ص ۴۵؛ جواهرالکلام، ج ۴۰، ص ۱۵۳)؛ لیکن شهید ثانی در شرح لمعه نظر دیگری دارد. وی معتقد است در امکان استماع چنین

دعویایی چند نظر وجود دارد که قول برگزیده، مسموع بودن دعوا در مواردی است که امکان اطلاع بر آن مشکل است (مانند قتل و سرقت)؛ برخلاف مواردی همچون معاملات که به آسانی می‌توان از آن مطلع شد. البته در چنین مواردی به واسطه رد یا نکول منکر، قسم متوجه مدعی نمی‌شود؛ بلکه اگر منکر قسم بخورد، یا اقرار کند، یا نکول ورزد و مبنا در نکول، حکم علیه منکر، به مجرد نکول باشد (برخلاف برخی از فقها که در چنین فرضی سوگند را متوجه مدعی می‌کنند)، حکم قضیه معلوم است، و در غیر این صورت (عدم اتیان سوگند توسط مدعی علیه) دعوی متوقف خواهد شد (به نفع مدعی حکم داده نخواهد شد). بنابراین در چنین فرضی از نظر شهید ثانی اصولاً قسم متوجه مدعی نخواهد شد، لذا گزینه‌های ۲ و ۳ که اثبات دعوی را منوط به سوگند مدعی کرده‌اند باطل است. با حذف این دو گزینه و بطلان گزینه ۱، تنها گزینه‌ای که صحیح به نظر می‌رسد گزینه ۲ است (ن.ک: شرح لمعه، ج ۱، ص ۲۴۱). ناگفته نماند بنظر می‌رسد سؤال مزبور بیش از حد تخصصی بوده و سطح آن از آزمون قضاوت بسی بالاتر است!! و حتی دانشجویان رشته فقه نیز از تحلیل و به حافظه سپردن چنین مطلبی عاجز باشند!!

#### ۹- ما هو الصحيح لو ادعى الرجل الزوجيه و انكرت ثم تزوجت فاقرت بالزوجيه السابقه؟

- ۱) بطل العقد الثاني.
- ۲) لا يرث من الثاني و للثاني وطؤها.
- ۳) يرث منه الثاني و لا يجوز له وطؤها.
- ۴) صح العقد الثاني و لا يرث للاقرار لانه لنفسها لا على نفسها.

**گزینه ۲ صحیح است.** اگر مردی ادعای وجود علقه زوجیت با زنی داشته باشد؛ لیکن زن آن را انکار نماید و سپس با مرد دومی ازدواج کند، و بعد از ازدواج، زن به وجود رابطه زوجیت اول اقرار نماید، اولاً: اقرار وی خللی به حقوق همسر دوم وارد نمی‌آورد (زیرا اقرار وی به ازدواج پیشین، نمی‌تواند در حقوق همسر دوم که شخص ثالث محسوب می‌شود ایجاد خلل نماید). ثانیاً: ظاهراً برخلاف نکته پیشگفته، این اقرار در حقوق خود وی موثر خواهد افتاد؛ زیرا اقرار عقلاً بر علیه خویش جایز است (اقرار العقلاء علی انفسهم جایز)؛ بنابراین مفاد گزینه ۲ که عبارت است از اینکه: «زن از همسر دوم خود ارث نمی‌برد؛ لیکن همسر دوم می‌تواند با وی رابطه جنسی داشته باشد»، ثابت می‌گردد: «إن رجعت إلى الاعتراف بعد تزويجها بغيره، لم يسمع بالنسبه إلى حقوق الزوجيه الثابته عليها، و في سماعه بالنسبه إلى حقوقها قوه إذ لا مانع منه، فيدخل في عموم جواز إقرار العقلاء علي انفسهم» (شرح لمعه، ج ۵، ص ۱۲۶).

#### ۱۰- کدام مورد از مصادیق عبارت «القتل بالسيف هو للزاني بالمحرم» است؟

- ۱) الزنا بمن يحرم نكاحه ابدا كالبنات.
- ۲) الزنا بمن يحرم نكاحه كاخذ الموقب.
- ۳) الزنا بمن يحرم بالنسب كبنات الاخت.
- ۴) الزنا بالمحرم النسبي و الرضاعي لقوله (ص): «يحرم بالرضاع ما يحرم بالنسب»

**گزینه ۴ صحیح است.** قتل با شمشیر از اقسام حد زنا است. باید گفت اگرچه مشهور فقیهان امامی این قسم از حد زنا را به محارم نسبی اختصاص داده‌اند (شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۴۱)؛ لیکن برخی از فقها محارم رضاعی را نیز به محارم نسبی ملحق کرده‌اند و حکم مذکور را در هر دو مورد جاری می‌دانند (المبسوط، ج ۸، ص ۸؛ ر.ک: فقه الحدود و التعزیرات؛ ج ۱، ص ۴۰۹)؛ و حتی برخی مانند آیت‌الله خوئی محارم سببی را نیز به این جمع افزوده‌اند (مبانی تکمله المنهاج، ج ۱، ص ۱۹۲). لیکن از آنجا

که منبع آزمون قضاوت شرح لمعه است، بنابراین باید به نظر شهید ثانی رجوع نمود. شایان توجه است که مرحوم شهید به دیدگاه دوم متمایل است و دلیل سخن خود را وجود روایاتی می‌داند که در آن محارم رضاعی به محارم نسبی ملحق شده‌اند: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» (ر.ک: شرح لمعه، ج ۹، ص ۶۲ و ۶۳). بنابراین قطعاً گزینه ۴ که صراحت در این مطلب دارد گزینه صحیح است.

#### ۱۱- ما هو الحكم فيما لو شرط كون الرهن مبيعا عند الاجل؟

- ۱) بطل الرهن و البيع و بالتقبض ضمنه بعد الاجل.
- ۲) بطل الرهن و البيع و بالتقبض ضمنه مطلقاً.
- ۳) صح الرهن و بطل البيع و بالتقبض ضمنه مطلقاً.
- ۴) صح الرهن و بطل البيع و بالتقبض ضمنه قبل الاجل.

**گزینه ۱ صحیح است.** اگر شرط شود که مورد رهن با سر رسید مدت دین، مبیع باشد، رهن و بیع باطلند؛ زیرا رهن موقت به زمان نمی‌شود و بیع نیز نمی‌تواند معلق باشد، و اگر به این شرط آن را قبض کند، پس از سر رسید مدت ضامن آن خواهد بود؛ زیرا در سر رسید، آن بیع، بیع فاسد محسوب می‌شود؛ بنابراین همانگونه که بیع صحیح ضامن آور است، بیع فاسد نیز ضامن آور است. لیکن قبل از سر رسید ضامن نمی‌باشد (شرح لمعه، ج ۴، ص ۸۸).

#### ۱۲- عبارت «لا يجوز التعريض بالعقد لذات البعل» ناظر به کدام مورد است؟

- ۱) خواستگاری از زن شوهردار به کنایه حرام است.
- ۲) خواستگاری از زن شوهردار مطلقاً حرام است.
- ۳) خواستگاری از زن شوهردار اگر به صراحت باشد، حرام است.
- ۴) مرد اجنبی نمی‌تواند خود را برای ازدواج به زن شوهردار عرضه کند.

**گزینه ۱ صحیح است.** ترجمه عبارت مذکور در متن سؤال، دقیقاً منطبق با گزینه ۱ است. و این حکم در بین فقهای امامیه اجماعی است: «لا يجوز التعريض بالعقد لذات البعل اتفاقاً» (شرح لمعه، ج ۵، ص ۲۳۹).

#### ۱۳- کدام مورد در خصوص نکاح موقت صحیح است؟

- ۱) لو اخلت بشيء من المده اختياراً بعد الدخول لا يقاص من المهر شيئاً.
- ۲) لو وهبها بعض المده قبل الدخول لم يسقط من المهر شيء.
- ۳) لو وهبها المده قبل الدخول فلا شيء عليه.
- ۴) لا يجوز العزل عن الزوجه الا باذنها.

**گزینه ۲ صحیح است.** گزینه ۱ نادرست است؛ زیرا اگر زن در ازدواج موقت، به ایفای وظایف خود در قسمتی از زمان عقد نپردازد، به همان میزان همسرش می‌تواند از مهر وی بکاهد، و در این مورد فرقی بین انجام یا عدم انجام عمل زناشویی نیست. نادرستی گزینه ۳ نیز از آن جهت است که اگر شوهر پیش از نزدیکی تمام مدت را ببخشد، باید نصف مهر تعیین شده را پرداخت کند. گزینه ۴ نیز از آن رو صحیح نیست که حتی اگر عزل در ازدواج دائم حرام باشد، در ازدواج موقت اصولاً چنین امری احتیاج به اذن همسر ندارد و حرام نیست. با این اوصاف گزینه ۲ تنها گزینه صحیح است؛ زیرا بخشیدن مقداری

از مدت قبل از نزدیکی، موجب سقوط قسمتی از مهر نمی‌شود؛ چرا که مقتضای اصل (استصحاب) بقای مهر است (شرح لمعه، ج ۵، ص ۲۸۵).

۱۴- قید «حصه» در عبارت زیر، برای خارج کردن کدام مورد است؟

«المساقاه شرعاً معامله علی الأصول بحصه من ثمرها»

(۱) المضاربه (۲) المساومه (۳) اعاره الاصول (۴) اجاره الاصول

گزینه ۴ صحیح است. مساقات عبارت است از معامله بر روی درختان به شرط شراکت در قسمتی از محصول آن. با قید اصول (درختان)، مزارعه از تعریف خارج (زیرا موضوع مزارعه زرع است)، و با قید حصه (سهم)، اجاره خارج می‌گردد؛ زیرا اجاره در مقابل اجرت معلوم قرار می‌گیرد و نه در مقابل حصه مشاع (شرح لمعه، ج ۴، ص ۳۰۹).

۱۵- عبارت زیر، تعریف کدام مورد است؟

«و هی ان یشترک شخصان فصاعدا بعقد لفظی علی ان تکون بینهما ما یتکسبان و یربحان و یتزمان من غرم و یحصل لهما من غنم»

(۱) شرکه المفاوضات (۲) شرکه العنان (۳) شرکه الوجوه (۴) شرکه الاعمال

گزینه ۱ صحیح است. عبارت موجود در متن منطبق با گزینه نخست است. شرکت مفروضه بدین معناست که دو یا چند نفر با عقد لفظی به این نحو با هم شریک می‌شوند که آنچه به دست می‌آورند و سودی که حاصل می‌شود و خسارتی که متحمل می‌شوند و بهره‌ای که به دست می‌آورند برای هر دو باشد. (شرح لمعه، ج ۴، ص ۱۹۹).

۱۶- مقصود از عبارت «العضائد الضیقه» در عبارت «فلا شفعه فی العضائد الضیقه» کدام است؟

(۱) راه روهای تنگ (۲) اتاقهای کوچک (۳) مغازه های کوچک (۴) جوی های باریک

گزینه ۱ صحیح است. هرچند معنای دقیق و یکسانی از عبارت مذکور در عبارات فقها مشاهده نمی‌شود و به عنوان مثال در پاورقی مبسوط گفته شده است که شاید منظور از آن دکان باشد (المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۳، ص ۱۱۹). و برخی از اهل لغت آن را در معنای لنگه درب تعریف کرده‌اند (المصباح المنیر، ج ۲، ص ۷۵). اما ظاهراً در شرح لمعه با توجه به سیاق عبارت مقصود از آن معبر باریک است (ن.ک: شرح لمعه، ج ۳، ص ۱۱۶). صاحب حدائق در توضیح عبارت مزبور آورده است: «و ظاهر کلامهم أن العضائد عباره عن أماكن ضیقه تتضرر بالقسمه» (الحدائق الناضره، ج ۲۱، ص ۱۷۱).

۱۷- در عبارت زیر، منظور از کلمه «مقصود» کدام است؟

«الجعاله یجوز علی کل عمل محلل مقصود غیر واجب علی العامل»

(۱) مقصود للمالك (۲) مقصود للعامل (۳) مقصود للجاعل (۴) مقصود للعقلاء

گزینه ۴ صحیح است. جعاله بر هر کار حلالی که مقصود و مورد اعتنای عقلا باشد جایز است (شرح لمعه، ج ۴، ص ۴۳۹).

۱۸- در عبارت زیر مرجع ضمیر «ها» که سه بار تکرار شده است، به ترتیب کدام است؟

«لو نشز الزوج بمنع حقوقها الواجبه فلها المطالبه و للحاكم الزامه بها»

(۱) الزوج، الزوجه، الحقوق

(۲) الزوجه، الزوجه، الحقوق

(۳) الحقوق، الزوجه، الزوجه

(۴) الزوجه، الزوج، الحقوق

گزینه ۲ صحیح است. اگر شوهر از ادای حقوق زوجه امتناع کند، زوجه حق مطالبه حقوق خود را دارد و حاکم شوهر را به پرداخت حقوق الزام می‌کند (شرح لمعه، ج ۵، ص ۴۲۹).

۱۹- رهن در کدام مورد، نافذ است؟

(۱) الارض الخراجیه (۲) الدين (۳) الوقف (۴) ما لا يملك الراهن

گزینه ۱ صحیح است. رهن گذاشتن زمین خراجی، مانند زمینهایی که از طریق غلبه بر کفار به دست مسلمانان افتاده است جایز است: «و یصح رهن الأرض الخراجیة كالمفتوحة عنوة» (شرح لمعه، ج ۴، ص ۶۹).

۲۰- ما هو الحكم لو تقاذف المحصنان؟

(۱) يسقط الحد عنهما

(۲) يجب حدّهما

(۳) يجب حدّ من ابتدا بالقذف و يعزّر الآخر

(۴) يسقط الحدّ عنهما و يعزّران

گزینه ۴ صحیح است. هرگاه دو نفر محصن، به گونه‌ای که موجب حد است، یکدیگر را قذف کنند، هر دو تعزیر می‌شوند و حد بر هیچ یک از آنان ثابت نمی‌شود (شرح لمعه، ج ۹، ص ۱۸۳).